

● غائله‌هایی برای توسعه هرج‌ومرج بانزدیک شدن تابستان سال ۱۳۵۹، کشور، عملادر بحران ناشی از اختلافات داخلی فرو رفته بود. گروهک‌های چپ‌گرا و احزاب مدعی لیبرالیسم، تقریباً در نزاعی دائمی با اکثریت طرف‌دار جمهوری اسلامی بودند. این درگیری‌ها در مسائل گوناگون بروز می‌کرد و می‌توانست چهره‌ای به‌هم‌ریخته از وضعیت داخلی ایران را پیش روی ناظران خارجی قرار دهد.

به‌هر‌صورت، وجود چنین بحرانی، آن هم در نخستین ماه‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، می‌توانست بسیار خطرناک باشد. از سوی دیگر، دخالت‌های سازمان منافقین برای دامن زدن به اختلافات قومی و سیاسی، باعث واکنش امام خمینی ^(ع) در چهارم تیرماه سال ۱۳۵۹ شد.

امام خمینی ^(ع) در جمع اعضای شورای اسلامی کارگران و کارکنان بهداری ارتش به این موضوع اشاره کردند و گفتند: «این گروه‌های مختلفی که مثل قارچ از زمین جوشیدند و آمدند و از اطراف کشورهای دیگری که متفرق در آنجا بودند و منتظر فرصت بودند، حالا آمدند به ایران و می‌خواهند نگذارند این انقلاب تحقق پیدا بکند. این یک خطری است از برای انقلاب ما. نه به آن معنا که این‌ها عَرَضه این را داشته باشند که یک کار مثبتی بکنند و این انقلاب را برگردانند، لکن به آن معنا که ایجاد زحمت بکنند. شما ملاحظه کردید که در کردستان ایجاد زحمت کردند، نه اینکه توانستند غلبه بکنند، لکن مدت‌ها ایجاد زحمت کردند. در تهران ایجاد زحمت کردند. نمی‌توانند کاری بکنند، لکن غائله می‌توانند درست بکنند. در هر موقعی که یک اساسی می‌خواهد روی کار بیاید، این جمعیت‌های مختلفی که الان در ایران هستند، در همان موقع، یک غائله‌ای درست می‌کنند. از اولی که جمهوری اسلامی را بنا بود که شما‌ها و ملت ما رأی به آن بدهند، آن وقت یک غائله‌هایی در اطراف درست کردند. این قدم که برداشته شد، در هر مرحله‌ای که شما یک قدم پیش رفتید، آن‌ها هم در همان‌جا باز غائله درست کردند (صحیفه امام ^(ع) / ج ۱۲/ ص ۴۵۷)».

سال‌ها بعد مشخص شد که سران سازمان منافقین، در همان حال که در عرصه داخلی خود را محق نشان می‌دادند، مشغول همکاری‌های گسترده اطلاعاتی با رژیم بعثی عراق بودند. آن‌ها چهار روز بعد از این سخنرانی، دست به یک اقدام تاکتیکی زدند و به‌ظاهر دخترهای خود را در سراسر ایران تعطیل کردند، البته درگیری‌های آن‌ها با جریان انقلاب تداوم داشت. در همان حال، احزاب و گروهک‌های تجزیه‌طلب فعالیت خود را در راستای اهدافشان چندبرابر کردند. این وضعیت، بی‌تردید ارتباط مستقیمی با سیاست‌های براندازانه کاخ سفید داشت. هم‌زمان با این رویکرد، گروهک‌های سیاسی دیگری مانند سازمان چریک‌های فدایی خلق (اقلیت و اکثریت) و حزب توده نیز در این نزاع ورودی مستقیم و در برابر جریان انقلاب داشتند.

● طرح ضربات پیاپی به ایران

آمریکایی‌ها بعد از شکست در طیس، راه‌های دیگری را برای از میان برداشتن نظام نوپای جمهوری اسلامی امتحان کردند. فعالیت‌های واشنگتن دراین‌استا، در هر دو حوزه داخلی و خارجی متمرکز بود. کاخ سفید در داخل ایران، افزون بر حمایت از جریان‌های تجزیه‌طلب و مخالف نظام، به سازمان دهی و حمایت از کودتا پرداخت.

در ۱۸ تیرماه سال ۱۳۵۹ خورشیدی، طرح کودتای نوزده که قرار بود با هدف قراردادن زعمای نظام جمهوری اسلامی ایران، باعث از بین رفتن آن شود، به‌شکلی معجزه‌آسا لو رفت و از اجرای آن جلوگیری شد، البته آمریکایی‌ها طراحی عملیات کودتا را چندماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی انجام داده ولی آن را تا تیرماه ۱۳۵۹ خورشیدی اجرای اجرایی نکرده بودند.

گزارشی تحلیلی- تاریخی درباره رویدادهای پیش از آغاز جنگ تحمیلی

تابستان داغ ۱۳۵۹؛ تنش‌های پیش از تندباد



اعزام نیروها به جبهه از ایستگاه راه آهن مشهد

مرضیه ترابی/ جنگ تحمیلی حدود بیست ماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد؛ دورانی که به عقیده برخی، مقدمات و زمینه‌های بروز این نبرد هشت ساله را رقم زد. برخی پژوهشگران حوزه تاریخ دفاع مقدس معتقدند که باید این دوران بیست‌ماهه را به سه مقطع زمانی تقسیم کرد: دوره نخست: از پیروزی انقلاب اسلامی تا تسخیر لانه جاسوسی آمریکا؛

دوره دوم: از تسخیر لانه جاسوسی تا قطع رابطه ایران و آمریکا در فروردین ۱۳۵۹ خورشیدی؛ دوره سوم: از فروردین ۱۳۵۹ تا ۳۱ شهریور همان سال و آغاز جنگ تحمیلی.

برای آنکه بتوانیم بهتر و دقیق‌تر درباره زمینه‌های بروز جنگ اظهار نظر کنیم، چاره‌ای جز ورود به دوره نخست و دوم و تحلیل رویدادهای آن نداریم. بین ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تا ۱۳ آبان ۱۳۵۸، ایران شاهد یکی از بزرگ‌ترین تحولات تاریخ خود بود. رژیم سلطنتی ساقط شد و نظام جمهوری اسلامی استقرار یافت.

این تغییر در ساختار سیاسی حکومت، به‌طبع باعث بروز چالش‌های بسیار می‌شد. الگوی بوروکراتیک و سازوکارهای اداره کشور، باید براساس الگوی جدید جایگزین می‌شد و این مسئله، اصلاً کار ساده‌ای نبود. طی این دوره، اولاً همه‌پرسی تغییر نظام و ثانیاً تلاش برای تشکیل نهادهای قانونی در کشور از طریق تأسیس قانون اساسی جدید در دستورکار قرار داشت. شورای انقلاب، مرکب از سیاست‌مداران و انقلابیون بلند پایه و منتخب امام خمینی ^(ع)، تا تأسیس نهادهای قانون‌گذاری به تصویب قوانین جدید و اصلاح قوانین پیشین مشغول بودند و دولت موقت مسئولیت اجرایی کشور را در اختیار داشت اما آغاز انقلاب دوم و تسخیر لانه جاسوسی، روند شکل‌گرفته در تغییرات ساختاری را دستخوش دگرگونی اساسی کرد. با استعفا ی دولت موقت، اداره کشور به‌صورت موقت تا تشکیل دولت جمهوری اسلامی ایران، به شورای انقلاب سپرده شد.

رئیس جمهور وقت آمریکا، به مسئله حمله رژیم صدام به ایران، به‌عنوان راهکار نهایی برای از بین بردن نظام جمهوری اسلامی می‌نگریست. «کنت آر. تیمرمن» که بعدها برای عضویت در کنگره آمریکا تلاش کرد و یکی از بنیان‌گذاران «بنیاد دموکراسی در ایران» (با هدف براندازی و اجرای کودتای مخملی در ایران) بود، در کتاب خود با عنوان «سوداگری مرگ» می‌نویسد: «به نوشته نیویورک تایمز و اظهارات یک

درواقع قرار بود ضربات پیاپی و گیج‌کننده‌ای برای افزایش ناتوانی ایران طراحی و اجرا شود تا در نهایت با هجوم سراسری رژیم صدام، تهران قادر به تداوم مقاومت در برابر این حمله‌های دنباله‌دار و مستمر نباشد؛ برژینسکی معتقد بود که صدام این پتانسیل را دارد که در نقش «نیروی متعادل‌کننده ایران» ظاهر شود و به‌همین دلیل باید مسیر را برای وی، از طریق وارد آوردن ضربات سنگین به ایران و نیز حمایت دیپلماتیک و نظامی هموار کرد.

بخشی از این ضربه قرار بود با استفاده از پایگاه‌های منطقه‌ای آمریکا در غرب آسیا و شرق آفریقا اجرایی شود. این موضوع را آیت... سیدمحمد بهشتی در سخنرانی ۲۴ تیرماه سال ۱۳۵۹ خورشیدی خود افشا کرد و از طرح ضدایرانی آمریکا برای هجوم نظامی دوباره به کشور پرده برداشت.

● هجوم رژیم صدام

صدام از مدت‌ها قبل برای حمله به ایران و بی‌اعتبار کردن قرارداد الجزایر که ظاهراً به اختلافات مرزی ایران و عراق پایان می‌داد، برنامه‌ریزی کرده بود. «صلاح‌علی عُمر»، سفیر وقت عراق، در سازمان ملل متحد، بعدها و پس از فروپاشی رژیم صدام، فاش کرد که وی از ۱۳۵۸ خورشیدی سودای هجوم به ایران را در سر می‌پرورانده و هدف او تسلط بر روند رود و پرم‌زدن قرارداد ۱۹۷۵ میلادی در الجزایر بوده است. آمریکا با حمایت آشکار از صدام، به کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز برای حمایت از وی چراغ سبز نشان داد. طولی نکشید که در ادبیات دیکتاتور عراق، ادعاهایی واهی مانند تعلق سه جزیره ایرانی به امارات و نیز زمزمه‌های تجزیه خوزستان، بازتاب بیشتری پیدا کرد. تجاوز به مرزهای ایران تقریباً از ابتدای شهریورماه آغاز شد. اما رویکردهای سیاسی رئیس جمهور وقت و آشفتگی عمده در ساختار دفاعی کشور، ایران را از نشان دادن یک واکنش سریع و قاطع ناتوان کرده بود. در ۱۶ شهریور ارتفاعات «زین‌القوس» به اشغال رژیم بعث درآمد و یعنی هاسه روز بعد، «سیف‌سعد» راهم به اشغال خود درآورد.

این دو ناحیه متعلق به ایران بود. روز ۲۳ شهریور، روزنامه ارگان حزب بعث «الشوره»، ضمن گزارشی مفصل تأکید کرد که نیروهای ارتش عراق طی سه روز نبرد موفق به اشغال ۱۱۰ کیلومتر مربع از اراضی ایران شده‌اند. یک روز بعد از انتشار این گزارش، «ابراهیم عزت‌الدوری»، معاون صدام، از طرح اشغال ۲۰۰ کیلومتر مربع از خاک ایران و الحاق آن به عراق سخن گفت و رژیم بعث، در ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ خورشیدی، طی یادداشتی رسمی به کاردار سفارت ایران در بغداد، لغو یک جانبه معاهده الجزایر را اعلام و ا روند رود را بخشی از خاک عراق دانست. نیروهای ارتش بعث، کشتی‌های ایرانی را در ورودی اروندرود متوقف و مجبور به نصب پرچم عراق و پرداخت عوارض به این کشور می‌کردند. این اقدامات، بی‌تردید، بدون چراغ سبز آمریکا امکان انجام نداشت. است قرار نیست به این‌رودی‌ها تمام شود و جبهه‌ها سراسری رژیم صدام به مرزهای ایران در ۳۱ شهریور پایان یافت، جنگی هشت‌ساله آغاز شد که طی آن ایرانیان تمام‌قد برای حفظ تمامیت ارضی و پاسداری از شرافت و ناموس خود جنگیدند و دفاع جانانه آنان در تاریخ، با نام «دفاع مقدس» مشهور شد.



مشهد در آغازین روزهای جنگ تحمیلی ۸ ساله، عکاس: سید حبیب حسینی طهرانی

شرکت در جنگ ایران و عراق خبر می‌دهد. اواخر مهر دیگر مردم فهمیده‌اند که آنچه رخ داده است قرار نیست به این‌رودی‌ها تمام شود و جبهه‌ها به حمایت نیاز دارند. آنان که شرایط رفتن دارند، می‌روند و عده‌ای هم که نمی‌توانند تلاش می‌کنند با ارائه خدماتی کمک‌رسان باشند. محموله‌های مواد غذایی هرروز از گوشه‌ای به سمت مناطق جنگی ارسال می‌شود، اما گویا این کافی نیست، برای همین زنان مشهدی در یک اقدام بی‌نظیر طلاهای خود را اهدا می‌کنند. روزنامه خراسان این خبر را همراه با تصویر در «۳ مهر باتیتر» خواهر و برادر هم‌وطن، تو برای پیروزی برادرانت چه کرده‌ای؟» منتشر می‌کند و می‌نویسد: «از هنگامی که جنگ تحمیلی مزدوران یعنی عراق به ایران آغاز شد و چند روز بعد به اوج خود رسید، کلیه خواهران و برادران هم‌وطن به یاری رزمندگان دلیر به‌باخاستند و از بدل هرگونه کمک‌ی دریغ ننمودند. در این میان، کمک‌های خواهران و مادران دلسوز ما از هر جهت درخور توجه، و تحسین‌برانگیز بود. گاهی دیده می‌شد که خواهری حاصل اندوخته پانزده یا بیست سال زندگی خود را بی‌ری و از روی صدق و صفا و خلوص نیت به برادران در حال جنگ با کفار تقدیم می‌کند. این جواهرات گران‌قیمت که در عکس ملاحظه می‌کنید، نمونه‌ای از آن همه ایثار و فداکاری خواهری است.»

توکلی در همان روز نخست جنگ، یعنی ۳۱ شهریور، در منطقه بوشهر به شهادت می‌رسد. آن‌طور که در خبرهای روز تشییع او در روزنامه‌ها آمده است، پیکر او روی تانک از چند خیابان مشهد گذر داده و به حرم مطهر رضوی برده می‌شود. روز هفتم مهر نخستین محموله مواد غذایی که اهدایی «مؤسسه خیریه انصارالحجه^(ع)» است از مشهد راهی غرب کشور می‌شود. ده‌ها تن میوه نیز از سوی بنیاد مستضعفان خراسان به جبهه‌های جنگ می‌رود. مردم خودشان را در جنگ سهیم می‌دانند و در همین یک هفته دریافته‌اند که در این کارزار نیز باید مانند روزهای انقلاب پای‌کار باشند. نخست‌وزیر «محمد علی‌رجایی» در پیامی که ۸ مهر مخابره شد، می‌گوید: «گور ابرقدرت‌ها را در کوچه‌ها و شهرهای کشورمان خواهیم کند.» روزنامه خراسان همچنین در ادامه، در گزارشی که با جمله «عاشقان شهادت برای نبرد آماده‌اند» تیتز شده است، می‌نویسد: «اعلام آمادگی برای حضور در جبهه‌های جنگ در غرب و جنوب کشور از طرف نهادها، جمعیت‌ها، گروه‌ها و سازمان‌های مختلف در مشهد و دیگر شهرهای خراسان همچنان ادامه دارد.» در سطرهای بعدی این گزارش، خبرنگاران این روزنامه افزون بر حضور کشاورزان پیشه‌وران، مربیان و معلمان، از مراجع حدود شصصد افغانستانی در تایباد و مناطق اطراف آن به سپاه پاسداران برای

نگاهی به اوضاع مشهد در نخستین روز های آغاز جنگ تحمیلی هشت‌ساله

روزهای صبوری و ایثار



طوبی اردلان/ آغاز جنگ و اشغال خاک وطن، آن‌قدر مسئله مهمی است که نه تنها در روزها و ماه‌های نخستین که تا هشت سال بعد هم بیشترین صفحات روزنامه‌های کشور با اخبار آن زیر چاپ می‌رود، روزنامه‌های مشهد هم از این مسئله مستثنا نبوده‌اند. سطرهای بعدی تورق مهم‌ترین اخبار مشهد، خاصه پانزده روز نخست آن است. روزنامه «خراسان» فردای اعلام رسمی جنگ ایران و عراق، با این تیتز روی باجه روزنامه‌فروشی‌ها قرار می‌گیرد که نشان از هشدار صریح امام ^(ع) در مقابل دشمن دارد «اخطار شدید امام خمینی به صدام حسین».

در این روز همچنین رهبر معظم انقلاب – که در آن سال نماینده امام ^(ع) در ارتش جمهوری اسلامی و عضو شورای عالی دفاع بودند– در پیامی چنین می‌گویند: «بسم... الرحمن الرحیم، ملت مسلمان و انقلابی ایران، برادران و خواهران، دولت دست‌نشانده و مزدور عراق تجاوز هوایی را به حرم جمهوری اسلامی ایران آغاز کرده و به چند پایگاه هوایی حمله کرده است. ما تا کنون نخواستیم بودیم، حمله را آغاز کنیم، اما ارتش جمهوری اسلامی تجاوز این بعثی‌های دست‌نشانده را تحمل نمی‌کند و درس تلخی به صدام خواهد داد. مردم عزیز ما باید خون سردی و متانت خود را حفظ کنند، هرگونه شایعه را که احیاناً ضد انقلاب منتشر می‌کند، دفع کنند. به یادگان نظامی نزدیک نشوند و در انتظار لحظه انجام مسئولیت همگانی که از سوی رهبر عظیم‌الشأن محول خواهد شد، باشند. هم‌اکنون نیروهای رزمنده ایران در زمین و هوا و دریا مشغول نبرد هستند. نتایج متعاقباً به اطلاع ملت ایران خواهد رسید. والسلام علیکم ورحمت‌الله...».

● آغاز جنگ در مشهد چگونه رقم خورد؟

در روز یکم مهر به دعوت یکی از مراجع عالی‌قدر، یک راهپیمایی بزرگ در سراسر کشور، از جمله مشهد، با هدف ایجاد و نمایش وحدت انجام می‌گیرد.

تاریخ نگار